

مضامین داستان قرآنی حضرت یوسف (ع)

در شعر معاصر

نعمت‌الله ایران‌زاده*

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

سید احمد ذبیحی**

استادیار زبان و ادبیات فارسی جهاد دانشگاهی گیلان

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۶/۲۰، تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۱۲/۰۹)

چکیده

از دیرباز نویسندگان و شاعران جهان اسلام به دلیل محتوای غنی و ارزش‌های متعالی اخلاقی قرآن کریم، از آن تأثیر پذیرفته‌اند. این اثرپذیری در کار شاعران گاهی مشهود بوده است؛ مانند اقتباس و درج؛ گاهی با تصویر و صورخیال همراه بوده است؛ مانند تلمیح و استعاره و رمز و سایر شگردهای تصویرآفرینی. تأثیرپذیری شاعران از قرآن کریم به دو عامل مهم بستگی داشته است: اول، میزان انس با کلام قدسی و تدبر در معانی ژرف و دقایق قرآنی؛ دوم، میزان اعتقاد و ایمانشان نسبت به اسلام و کتاب وحی، و همت در ترویج و تبلیغ معانی و معارف دینی. شگرد بدیعی تلمیح و عناصر داستانی چاه و زندان، عشق و پیراهن، بسامد بالایی در شعر معاصر دارد. حضرت یوسف (ع) در شعر معاصر ایران، نماد پاکی، محبوب غایب و حضرت حجت (عج) است. کمتر شاعری به حضرت یوسف (ع) از منظر حکمت، نبوت و حکومت‌داری نگریسته است.

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر ایران، تأثیر قرآن، داستان حضرت یوسف (ع)، تلمیح، مضمون‌آفرینی

*. E-mail: iranzen@gmail.com

** E-mail: s_a_zabih@yahoo.com

مقدمه

قرآن کریم، کتاب هدایت و زندگی، به صورت وحی در طول رسالت پیامبر اکرم (ص) نازل شد و پس از آن، به تدریج در میان ملت‌ها به شیوه‌های مختلف، نشر پیدا کرد. پس از گسترش معجزه‌آسا و فراگیر شدن فروغ تابناک اسلام در جهان، قرآن مجید در جنبه‌های مختلف زندگی مسلمانان، به خصوص ادبیات تأثیر گذاشت و علوم بسیاری را در بین مسلمانان به وجود آورد.

شور و شوق مسلمانان در کسب معارف اسلامی و لزوم بهره‌گیری کامل و دقیق از آیات قرآن باعث شد ادبا و شعرای مسلمان فراخور ذوق و قابلیت‌های فردی، از این آیات گهربار در غنی کردن محتوای کلام خویش بهره‌ها ببرگیرند.

جستار حاضر نتیجه بررسی آثار شعری چهل شاعر معاصر است. امید است ادبا و به خصوص شاعران جوان، با مضامین و عناصر داستانی حضرت یوسف (ع) در قرآن به کمک نمونه‌ها و تصاویر بدیع شعری و صور خیال موجود در آثار شاعران، بیشتر آشنا شوند.

ادوار شعر معاصر از منظر اثرپذیری قرآنی

با توجه به جهات مختلف سیاسی-اجتماعی و ادبی-فرهنگی تاریخ معاصر، بر آن شدیم با تفکیک ادوار شعر معاصر به سه دوره و تبیین ویژگی‌های هر یک، نتایج تحقیق را ثمربخش‌تر سازیم؛ لذا تجلیات قرآن در سروده شاعران، در سه دوره سیاسی و اجتماعی معاصر توصیف شده است:

الف) پیش از انقلاب مشروطه تا ۱۳۰۳ ش

ب) قبل از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش)

ج) انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۸۸ ش)

مروری بر سه دوره

آشنایی شاعران با جهان خارج، شعر را از دایره دربار و حاکمیت خارج می‌کند و شعر با زبانی ساده و عامیانه به میان مردم می‌آید. افکار نو و عدالت‌خواهانه وارد

شعر می‌شود. قالب غزل - که به‌صورت سنتی در سیطره عرفان و عشق بود - در خدمت سیاست و آزادی‌خواهی قرار می‌گیرد. در این دوره، دیوان بزرگانی همچون اقبال، ادیب‌الممالک فراهانی و ملک‌الشعرای بهار، مشحون از اثرپذیری‌های قرآنی است.^۱

مجموع ابیات این دوره، از مجموع ۲۷۳ بیت، ۹۹ بیت در موضوع داستان قرآنی حضرت یوسف (ع) است که تعداد ۴۵ بیت از آن متعلق به ادیب‌الممالک و بهار است.

پس از شکست انقلاب مشروطه و تشکیل حکومت مستبدانه پهلوی، به تدریج تمام امید و انگیزه‌های شاعران مبارز و نواندیش به یأس مبدل شد. در آغاز، در ادامه تلاش نسل گذشته، شاعران بزرگی همچون نیما یوشیج، اخوان ثالث، شاملو و ... سعی داشتند با ایجاد تغییر در نوع زبان، شکل و فرم و حتی با شکستن قالب‌های سنتی شعر فارسی، گامی در بیداری جامعه بردارند، ولی خفقان، زندان و فشار حکومت، بیش از همت آنان بود؛ بدان سبب که قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایشان از بعد معنوی و دینی کمتر از آن بود که بتوانند هم در مقابل جبهه سرمایه‌داری غرب بایستند و هم در مقابل اردوگاه مارکسیستی شرق مقاومت کنند. در این دوره، شاعر برجسته و بزرگی مانند شهریار - پس از تجربه عشقی نافرجام خویش - تشخص سبکی و بیانی دارد.

مضامینی مانند چاه و زندان، در این دوره بسامد بالاتری دارد.

مجموع ابیات این دوره، از مجموع ۲۷۳ بیت، ۷۹ بیت در موضوع داستان قرآنی حضرت یوسف (ع) است که ۵۸ بیت متعلق به شهریار است.

انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران که در ادامه آزادی‌خواهی‌های مردم ایران از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی (ره) شکل گرفت، توانست در مدت کوتاهی جبهه اندیشمندان آزاده را بر بنیاد اسلام متحد کند. از این‌رو، این‌بار برخلاف دوره قبل، اعتقادات دینی با قوت و قدرت بیشتری در همه جلوه‌های ادبی، به‌خصوص شعر، بروز و ظهور پیدا کرد. پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و دوران دفاع مقدس، زمینه و مجال برای شاعران این دوره پدید آورد تا باورهای خویش را با دانش دینی و قرآنی عجین کنند و عشق و شور مکتبی و ملی را با آن بیامیزند.

بسامد بالای مضمون «وصال» در این دوره، می‌تواند تحت تأثیر بازگشت امام خمینی (ره) به وطن باشد. تجاوز دشمن بعثی و هم‌پیمانانش به میهن اسلامی، سبب فراوانی کاربرد واژه «گرگ» در شعر شاعران این دوره شده است. مجموع ابیات این دوره، از مجموع ۲۸۶ بیت، ۱۰۸ بیت در موضوع داستان قرآنی حضرت یوسف (ع) است که تعداد ۶۹ بیت از آن متعلق به احمد عزیز، یوسف میرشکاک، علی‌رضا قزوه و قیصر امین‌پور است.

انواع تأثیرپذیری از قرآن

کتاب مانا و جاودانه قرآن کریم زیبایی‌های شگرف و توصیف‌ناپذیری دارد. جذب مخاطب، اثرگذاری معنوی، هدفمندی، هماهنگی لفظی و معنایی، تناسب درونی و بیرونی، قابلیت‌های بالای زبانی و ساختار مابعدالطبیعی، از جمله وجوه زیبایی آن به‌شمار می‌رود (ایازی، ۱۳۸۵: ۶۵)؛ حتی صدای روح‌نواز تلاوت قرآن، علاوه بر اثرگذاری‌های معنوی، بر جسم مؤثر است. از تأثیرگذاری‌های جسمانی تلاوت قرآن، کاهش میزان درد بیماران هنگام استماع آن است (نصرآبادی، ۱۳۸۵: ۳۴). اما تجلیات قرآنی‌ای که در شعر معاصر استفاده شده، عبارت است از: اشاره، تلمیح، تضمین، حل، اقتباس، الهام، تأثیرپذیری، ترجمه و تصویرسازی. در شعر معاصر، تجلیات داستان قرآنی حضرت یوسف (ع) بیشتر در قالب اشاره، تلمیح و تصویرسازی به‌کار رفته است. اقتباس و تلمیح، نقش بینامتنیت را تقویت می‌کند. «از دیدگاه سبک‌شناسی، بینامتنیت - علاوه بر اینکه بر اهمیت کلی متن می‌افزاید - باعث می‌شود خواننده از کشف تلمیح مورد نظر، احساس سرخوشی کند» (وردانک، ۱۳۸۹: ۲۰).

از آنجا که شاعر به‌دنبال اثرگذاری بیشتر و ماندگاری اثر خویش است، سعی می‌کند از شیوه‌ها و روش‌های ارتباطی قرآن بهره‌مند شود؛ به‌عنوان مثال، برای بیان موضوعات تعلیمی، از قصه‌گویی و یا تمثیل بهره می‌گیرد و یا همچون قرآن، از سوگند برای تأکید و از سجع و ساختار نحوی آن، برای آهنگین‌ساختن و تأثیر بلاغی استفاده می‌کند.

تأثیر قرآن و حدیث بر ادبیات منظوم فارسی در دوره معاصر نیز مشهود است و کسانی همچون ادیب‌الممالک، ملک‌الشعراى بهار، پروین اعتصامی، شهریار، سهراب سپهری، طاهره صفارزاده، احمد عزیزی و قیصر امین‌پور به آیات و احادیث و قصص قرآنی توجه داشته‌اند.

مضامین و عناصر داستان حضرت یوسف (ع)

اکثر شاعران معاصر به‌نوعی از عناصر داستان یوسف (ع) در اشعار خویش بهره برده‌اند. مهم‌ترین عناصر و مضامینی که از زندگی و شخصیت حضرت یوسف (ع) مورد توجه شاعران فارسی‌زبان قرار گرفته، عبارت است از: محبت، حسن یوسف (ع)، حسادت و نیرنگ برادران، به‌چاه‌افتادن یوسف (ع)، گرگ و پیراهن خونین یوسف (ع)، نجات از چاه و به‌بردگی‌رفتن یوسف (ع)، عشق یا هوس زلیخا، زنان دربار و ترنج، به‌زدان‌افتادن یوسف (ع)، تعبیر خواب یوسف (ع)، حکومت و عزیزی یوسف (ع)، رفتار یوسف (ع) با برادران، بیناشدن یعقوب با بوی پیراهن یوسف (ع) و وصال یعقوب و یوسف (ع).

چاه و پیراهن از بین عناصر و مضامین داستانی، بیشتر از بقیه موارد در اشعار سه دوره معاصر بازتاب یافته است که می‌تواند از طرفی نشان دوران سخت مبارزه و جهاد و از سویی، نشان امید و آرزوهای بلند ملت ایران برای رهایی از سلطنت و در برهه‌ای دیگر، پایان جنگ و ستم کشورهای زورگو و سرفرازی ملت مسلمان ایران باشد. مهم‌ترین مضامین و عناصر داستان حضرت یوسف (ع) در شعر معاصر عبارت‌اند از:

۱- محبت یعقوب (ع)

اگر بخواهیم ریشه حوادث داستان زندگی یوسف را براساس روابط علی- معلولی شناسایی کنیم، به‌طور قطع به محبت زایدالوصف یعقوب به فرزند خردسالش یوسف برمی‌خوریم که موجب حسادت برادران دیگر می‌شود. این محبت پدرانه که به‌دلیل الهامات غیبی به یعقوب نبی، از عمق دینی نیز برخوردار بود - چراکه از بین همه برادران، فقط یوسف (ع) به رسالت رسید - آن‌قدر ادامه یافت تا در

نهایت، در فراق یوسف به نابینایی کشید. در آیات ۵، ۸، ۸۴، ۸۶، ۸۷ و ۸۸ سوره یوسف (ع)، به این محبت عاشقانه اشاره شده است. این عاطفه عمیق را خداوند بزرگ در لفظ «یا بُنَى» (ای فرزندم) از زبان یعقوب بیان می‌کند: قَالَ يَا بُنَى لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (یوسف: ۵): گفت: ای پسر کوچکم خوابت را برای برادرانت حکایت مکن که تو را حيله‌ای می‌اندیشند، زیرا شیطان آدمیان را دشمنی آشکار است.

مضمون دوری و فراق یوسف از یعقوب، در سروده شاعران، بازتاب زیادی دارد. در اکثر موارد، یوسف، محبوب غایب، حضرت بقیه الله (عج) و گاهی معشوق شاعر است.

وقتی ای یوسف گمگشته تو پیدا گردی

که ز یعقوب خبر نی اثر از کنعان نیست

(عارف قزوینی، ۱۳۸۷: ۷۳)

پیر کنعانم و گردم به سر چاه فراق

بو که آن یوسف گل‌پیرهن آید بیرون

(شهریار، ۱۳۸۵: ۳۶۱)

شهریار به جهت دلدادگی و عشق، تأثیر زیادی از این داستان پذیرفته است و طبق نمونه‌گیری، از میان شاعران معاصر ابیات بیشتری دارد. در این بیت به تصویر زیبایی که با عناصر چاه، پیراهن، پیر کنعان و یوسف خلق می‌کند، دقت کنید. یوسف گل‌پیراهن، بار نوستالژیک و عاطفی شعر را دوچندان می‌کند. شهریار بی‌محابا محبوبه خود را در نظر داشته است. عمق چاه و ژرفای فراق، وجه‌شبهی بوده است که شاعر را ناگزیر از آوردن تشبیه «چاه فراق» کرده است. اما از همه ظریف‌تر، واژه مخفف «بو» است که ایهام‌تناسب زیبایی با واژه گل ساخته است.

یوسفم گر نزند بر سر بالینم سر

همچو یعقوب، دل‌آشفته بویش باشم

(امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۵۳)

از دید زیبایی‌شناسی کمتر به سروده‌های امام توجه شده است. این بیت از زیبایی معنوی و درونی بالایی برخوردار است.

امام برای مطلوب دور از نظرشان استعاره‌ای می‌آورند که جامع همه مقصودشان است. زیبا و پاک، حکیم و قدرتمند، از دامن انبیا، محبوب و امروز در چاه غیبت. عاشق با آرزوی خیال معشوق و انتظار لطف او در دم آخر خوش است. به تکرار سر در مصراع اول و تناسب لفظی بوی و موی و همچنین آشفتگی موی دقت کنید.

سر بر سر گذاشتنِ عاشق و معشوق بر بالین، نهایت وصال و کمال مطلوب است؛ اما اگر تحقق پیدا نکند، چاره‌اش جز آشفتگی چیست؟ یعقوب سال‌ها به انتظار خبری از یوسف، آشفته‌دل بود. آشفتگی موی معشوق نیز در ادب فارسی، از تصاویر خوشایندی است که عاشق را در پیچش‌هایش گرفتار می‌سازد. بوی موی آشفته یار، تصویر زیبا و بدیعی است که در پشت ظاهر بیت و در کنار سر و بالین، مخاطب را مجذوب این تخیل معنوی می‌کند.

۲- حسن باطن و ظاهر حضرت یوسف (ع)

فقط در یک آیه قرآن به زیبایی حضرت یوسف (ع) اشاره شده است. در ادب فارسی نیز نام یوسف، قرین زیبایی و حسن و جمال است. در شعر فارسی، حسن و زیبایی یوسف، مشابه معشوق محسوب می‌شود. شاعران بسیاری به این مضمون پرداخته‌اند و معشوق خویش را در زیبایی و جمال به یوسف تشبیه کرده‌اند. به نظر می‌آید حسن ظاهر، ملازم زیبایی باطن در نظر گرفته شده است. خداوند از زبان زنان دربار، یوسف را این‌چنین توصیف می‌کند: **وَ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ** (یوسف: ۳۲). و گفتند: معاذالله، این آدمی نیست، این جز فرشته‌ای بزرگوار نیست.

یوسف مصر ملاحظ آنکه در کنعان حسن

سبزه‌ای سر برنکرد از آب و گل با این نمک

(شهریار، ۱۳۸۵: ۲۸۱)

عماد خراسانی، از غزل‌سرایان معاصر، یوسف را استعاره از مطلوبی می‌گیرد که انسان‌ها هریک فراخور معرفت و شناختی که از زندگی پیدا می‌کنند، برای خود برمی‌گزینند. گروهی به دنبال قدرت و زراندوزی هستند و گروهی به شهوت و بندگان خاص نیز به هدف خلقت که عبودیت و بندگی است، تن می‌دهند.

ما پی گمگشته خود می‌رویم
هرکسی را یوسفی باشد به چاه
یوسف آن، جاه و مال و شور و شر
یوسف این، روی خوش، چشم سیاه
یوسف آن، عشق دنیای دنی
یوسف من جام می، عشق اله
(عماد خراسانی، ۱۳۸۵: ۴۵۶)

۳. حسادت و نیرنگ برادران

برادران یوسف از چهره‌های منفی داستان هستند. با نیرنگی که به کار می‌بندند، برادر را به چاه می‌اندازند و پدر را در فراق فرزند، نابینا می‌کنند. برادران، علت کار خود را محبت بیش از اندازه پدر به یوسف بیان می‌کنند که نشان از حسادت آنان دارد. پدر از قبل به یوسف هشدار می‌دهد مواظب شیطنت برادرانش باشد. این مضمون نیز دست‌مایه بعضی از شاعران قرار گرفته است. آیات ۱۳ تا ۱۸ سوره یوسف در این موضوع بحث می‌کنند.

گر بهار آگه شد از قصد رقیبان دور نیست
یوسف مصری نماند از کید اخوان بی‌خبر
(بهار، ۱۳۸۷: ۵۳۵)

کید ناجوانمردانه برادران در حق یوسف (ع)، در این بیت، اسلوب معادله‌ای برای تبیین چگونگی نیرنگ دوستان شده است.

تو نیستی و دلت اینجاست کنار آینه و قرآن
برادران همه برگشتند چرا به خانه نمی‌آیی

برادرهای من امشب بمانید

برایم سوره یوسف بخوانید

(قزوه، ۱۳۷۸: ۸۹)

مفاهیم ارزشی و نگاه نو علیرضا قزوه، در بیت‌های بالا مشهود است. این ابیات، علاوه بر اشاره به برادران یوسف (ع)، تصویر عاطفی و پاکی از یوسف نشان می‌دهند.

۴- به‌چاه‌افتادن یوسف (ع)

برادران که نمی‌خواهند دست خود را به خون یوسف آلوده کنند، تصمیم می‌گیرند وی را به چاه بیندازند. از حوادث مهم داستان که شاعران زیادی از آن در سروده‌های خویش، برای تصویرآفرینی‌های بدیع، سود جسته‌اند، به‌چاه‌افتادن یوسف است. چاه در شعر معاصر، سمبل دام و بلای ناخوشایندی است که فرار از آن اجتناب‌ناپذیر است و رهایی از آن فقط به لطف خداوند بزرگ ممکن خواهد بود. آیات ۱۰ تا ۱۵ و ۱۹ سوره یوسف در این‌باره نازل شده است. **فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَ أَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَةِ الْجُبِّ وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ** (یوسف: ۱۵): چون او را بردند و هماهنگ شدند که در عمق تاریک چاهش بیفکنند، به او وحی کردیم که ایشان را از این کارشان آگاه خواهی ساخت و خود ندانند.

یوسف مشروطه ز چه برکشیدیم

آه که چون گرگ خود او را دریدیم

(عارف قزوینی، ۱۳۸۷: ۳۱۲)

شاعر با تصرف در داستان، دریدن یوسف (ع) را توسط گرگ مطرح می‌کند تا تصویر و در نهایت، پیام خود را منتقل کند. درست است که گرگ از عناصر داستان است، ولی هیچ‌گاه گرگی یوسف را نمی‌درد. شاعر، با ظرافت از یک‌سو، مشروطه را به یوسف تشبیه می‌کند و از سویی دیگر، با تشبیه انقلابیون به گرگ، نسبت دریدن را برخلاف داستان

تصویر می‌کند تا عمل خیانت اینان را غیر مستقیم، از خیانت برادران یوسف نفرت‌انگیزتر تصویر کند.

تو ای به چاه طبیعت فتاده یوسف‌وار

بیا که تاج ملوکت در انتظار سر است

(فراهانی، ۱۳۷۸: ۸۵۱)

یوسف! از چاه بیرون آی تا شاهی نمایی

گرچه از این چاه بیرون آمدن آسان نبودی

(امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۸۰)

۵- گرگ و پیراهن خونین یوسف (ع)

در داستان یوسف، پیراهن در سه‌جا به‌صورت خاص طرح می‌شود و در هر سه‌جا، در خیال و تصویرآفرینی‌های شاعرانه معاصر نمود دارد؛ یکی، وقتی برادران پیراهن خون‌آلود یوسف را برای پدر می‌آورند؛ دیگر، وقتی زلیخا پیراهن یوسف را از پشت می‌درد و آنگاه که برادران، پیراهن را از یوسف، هدیه و نشانی برای پدر می‌آورند. آیات ۱۶ تا ۱۸ سوره یوسف درباره توضیح برادران، پس از بازگشت پیش پدر است.

در خیال‌آباد کنعان شما

بویی از پیراهن من مانده است

(کاکایی، ۱۳۶۹: ۱۸)

تشبیه کنعان به خیال‌آباد، تشبیهی از نوع حسی به غیر حسی و خیال‌آباد، خود تشبیه دیگری از نوع حسی به غیر حسی است.

گرگ را با میش بینی در چراگاه زمین

یوسف ما چون برآرد سر ز چاه لامکان

(مردانی، ۱۳۸۱: ۲۲)

شاعر «غزل حماسی» سرای انقلاب، در بیت بالا با اشاره به قصه ساختگی برادران یوسف، برداشتی بسیار نو و تحسین‌برانگیز ارائه می‌کند: تا وقتی گرگ‌ها و آدم‌های گرگ‌روش با هم بر یک سفره نشسته‌اند، چگونه می‌توان انتظار داشت یوسف از پرده انتظار رخ نماید؟

۶- به‌بردگی رفتن یوسف (ع)

پس از آنکه یوسف را کاروانیان از چاه بیرون آوردند، با بی‌میلی تمام به بهایی اندک فروختند. خریداران یوسف نیز تمایلی به خرید وی نداشتند، چراکه آثاری از غلامی و بردگی در او نمی‌دیدند. بی‌رغبتی خریداران یوسف در بازار برده‌فروشان، در سروده شاعران معاصر به‌خوبی نمایانده شده است. گاهی معشوق در بازار حسن، بر یوسف ترجیح می‌یابد.

و شَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةً وَ كَانُوا فِيهِ مِنَ الرَّاهِدِينَ (یوسف: ۲۰): او را به بهای اندک، به چند درهم فروختند که هیچ رغبتی به او نداشتند.

تو بدین حسن اگر جانب بازار آیی

هیچ کس مشتری یوسف کنعانی نیست

(عارف قزوینی، ۱۳۸۷: ۵۷)

عارف با اشاره به داستان فروش حضرت یوسف در بازار، با تشبیه تفضیل، معشوق خود را از یوسف زیباتر می‌داند.

از بد بتر اگر هست / این است / اینکه باشی / در چاه نابردار، تنها / زندانی زلیخا / چوب حراج‌خورده بازار برده‌ها / البته بی‌که یوسف باشی! (امین پور، ۱۳۸۹: ۲۳).

۷- عشق زلیخا

هوس گناه‌آلود زلیخا که قرآن از آن، تعبیر غریزه جنسی دارد، در سروده شاعران، عشق نامیده شده است - چگونه می‌توان یک خواهش غریزی را عشق نامید؟ اما آنچه مهم است، این است که یوسف به‌دلیل اخلاص و با لطف خدا، زمانی که همه شرایط

برای گرفتارشدن به دام شیطان آماده است، با سرافرازی، عصمت خویش را حفظ می‌کند.

یوسف دلت پیش زلیخا بود و فرسودی

بیهوده عمری پای در زنجیر بیدادم

(میرشکاک، ۱۳۸۸: ۵۰۴-۵۰۵)

از ظرایف داستان یوسف، آن است که قرآن به منظور حفظ حرمت و رعایت اخلاق، هیچ‌گاه نامی از زلیخا همسر عزیز مصر نمی‌برد. پایان آیات ۲۳ تا ۲۸ سوره یوسف، به مکر بزرگ زنان اشاره دارد که بعضی از شاعران بدان توجه نشان داده‌اند.

فروریخت گلبرگ‌هایم / بر این خاک سرد سترون / زلیخای بی‌رحم پاییز / دریده‌ست پیراهن من

(کاکایی، ۱۳۸۵: ۵۱)

زلیخای بی‌رحم پاییز، تشبیه زیبا و بدیعی است که شاعر، حسن تعلیل برای برگ‌ریزان آورده است و لباس یوسف را به گلبرگ تشبیه کرده است.

۸- ترنج و زنان دربار

زلیخا برای توجیه خطای نابخشودنی خود، تعدادی از زنان دربار را برای دیدن یوسف در هنگام بریدن ترنج، در قصر خود گرد می‌آورد تا با نشان دادن زیبایی یوسف، گناه خویش را بیوشاند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، از دیدگاه قرآن، حُسن واقعی حضرت یوسف (ع) در زیبایی‌های ماندگار، مانند ایمان، صدق و پاکدامنی او مشهود است.

فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ فَاَسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ (یوسف: ۵۰): یوسف گفت: نزد مولایت بازگرد و بپرس حکایت آن زنان که دست‌های خود را بریدند چه بود که پروردگار من به مکرشان آگاه است.

کاین بود ترنجی که زلیخا در بزم
بنهاد و زنان کارد کشیدند به دست
(فراهانی، ۱۳۸۷: ۷۵۴)

مصر شکرده‌هان یوسف گل‌پیرهنان
که ز حیرانی او گفت زلیخا به زنان
یارب این ماه زچاه‌آمده را خواجه چرا
به زر ناسره بفروخته با سیم‌تان
(عزیزی، ۱۳۸۶: ۲۳۲)

۹- به زندان افتادن یوسف (ع)

زندان را برای یوسف اگرچه باید به‌ظاهر بلا و رنج محسوب کرد، ولی به‌واقع، پایه‌گذاری دوران رسالت وی و ترویج آیین خداپرستی در بین زندانیان بود. زندان در شعر شاعران، گاهی نماد دنیا و گاهی سمبل ظلم و جور است. **ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوْا الْآيَاتِ لَيْسَ جُنُنَهُ حَتَّىٰ حِينٍ** (یوسف: ۳۵): پس با آن نشان‌ها که دیده بودند تصمیم گرفتند که چندی به زندانش بیفکنند.

یوسف ملک به زندان بلا مانده اسیر

بر رخ مهر سیه‌پرده شام افتاده است

(رهی معیری، ۱۳۸۷: ۱۰۸)

۱۰- تعبیر خواب کردن یوسف (ع)

خداوند متعال در دو بخش داستان، به رؤیا و تعبیر خواب اشاره دارد: یک بار در آغاز داستان؛ آنجا که یوسف خود خواب می‌بیند و یعقوب او را از بازگور کردن برای برادران برحذر می‌دارد و دیگر، هنگامی که در زندان به تعبیر خواب زندانیان و سپس، عزیز مصر می‌پردازد. **قرآن کریم** با مقبول دانستن عمل تعبیر خواب، آن را علمی می‌داند که خداوند به یوسف تعلیم داده است. حضرت یوسف از راه تعبیر خواب، موفق می‌شود ضمن رهایی از زندان، به مقام و صدارت در حکومت مصر دست یابد.

کمت‌ر شاعری به این موضوع پرداخته است. آیه ۴۳ سوره یوسف به این موضوع اشاره دارد.

یوسف من خواب‌دیدن کار توست

از زلیخایان رمیدن کار توست

(عزیزی، ۱۳۶۸: ۱۵۳)

«فرزندم! / رؤیای روشن‌ت را / دیگر برای هیچ‌کس بازگو مکن! / - حتی برادران عزیزت - / می‌ترسم / شاید دوباره دست بیندازند / خواب تو را / در چاه / شاید دوباره گرگ ... / می‌دانم / تو یازده ستاره و خورشید و ماه / در خواب دیده‌ای / حالا باش! / تا خواب یک ستاره دیگر / تعبیر خواب‌های تو را / روشن کند / ای کاش ...!» (قیصر امین‌پور، ۱۳۸۹: ۱۰).

این شعر زنده‌یاد قیصر امین‌پور، تلمیح به همین مضمون تعبیر خواب یوسف (ع) دارد؛ تأویل شاعرانه‌ای از دوازده امام معصوم است و خواب یک ستاره دیگر، مقصود حضرت حجت (ع) است و این تأویل و برداشت، بدیع و نوآورانه است.

۱۱- عزیزی و حکومت یوسف (ع)

خداوند بزرگ چنین مقدر کرد تا بنده مؤمن و صالح خود را پس از ابتلائات و سختی‌های فراوان به حکومت و قدرت برساند و بدین‌گونه، یوسف پیامبر پس از رهایی از زندان به عزیزی مصر رسید تا این‌بار در مسند فرمانروایی، با اقتدار در جهت اجرای عدالت در جامعه بکوشد و زمینه را برای ترویج دعوت به خداپرستی، بیش از پیش، آماده سازد. حکومت‌یافتن یوسف از مضامین دیگری بوده است که شاعران، هریک با توجه به تخیل و خلاقیت خود، از آن سود جسته‌اند. آیات ۵۵ تا ۵۷ سوره یوسف درباره حکومت‌داری حضرت یوسف (ع) سخن می‌گوید.

۱۲- رفتار یوسف (ع) با برادران

از فضائل اخلاقی حضرت یوسف که قرآن بدان توجه داده، نحوه برخورد و تعامل با برادران خطاکار است که تا حد مرگ او را آزار داده بودند. رفتار نیک و برادرانه یوسف از مضامین اخلاقی داستان است که بعضی از شاعران به آن پرداخته‌اند. آیات ۹۰ تا ۹۳ سوره یوسف در این موضوع است.

چو در مصر آمدند اخوان شدند اندر بر یوسف

وز ایشان بر رخ خویش هزاران آفرین آمد

ندیدم کس که همچون یوسف صدیق با اخوان

کند نیکی به دستوری کش از روح‌الامین آمد

(فراهانی، ۱۳۷۸: ۹۳۴)

۱۳- بینایی یعقوب با بوی پیراهن یوسف (ع)

یوسف (ع) وقتی از زبان برادران از حال پدر پیر خویش، یعقوب (ع) که از فرط گریستن بینایی خود را از دست داده است، اطلاع می‌یابد، پیراهن خویش را برای پدر هدیه می‌فرستد. بوی پیراهن یوسف نور رفته را به چشمان پیر هجران‌کشیده باز می‌گرداند. مضمون نوستالژیک بوی پیراهن یوسف (ع) (یوسف: ۹۳ و ۹۷)، تحت اثربخشی این داستان قرآنی، دست‌مایه بسیاری از شاعران شده است؛ از این‌رو، پیراهن، سمبل وصال و پایان‌یافتن هجران عاشق و معشوق است.

به بزم خرمی یکدل زلیخای زمان را گو

به حسن یوسفم بنگر که بوی پیرهن دارم

(عزیزی، ۱۳۸۶: ۱۹۱)

پیراهن یوسف چرا نیارند

یعقوب به کنعان در انتظار است

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۶: ۱۳۱)

در ابیات بالا، یعقوب دل، معجزه بوی، مصر بلا، تعابیر جدیدی است که مربوط به دوره انقلاب اسلامی است؛ ولی در موارد دیگر، تصاویر، تکراری و تقلیدی است که در این مقال، به ارجاع به آنها بسنده می‌کنیم.

۱۴- وصال یعقوب و یوسف (ع)

وصال یعقوب و یوسف در آخرین بخش داستان، پایان دوره طولانی هجران و شیرین‌ترین بخش زندگی یعقوب است که در حین دیدار، یوسف را هم بر مسند حکومت مصر و هم دارنده رایت رسالت و نبوت می‌بیند و بدین‌گونه، خوابی را که سال‌ها پیش یوسف دیده بود، اینک تعبیری راست و درست می‌یابد. **فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَبُوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ** (یوسف: ۱۰۰): چون بر یوسف داخل شدند، پدر و مادر را نزد خود جای داد و گفت: به مصر درآیید که اگر خدا بخواهد در امان خواهید بود.

مژده ای دل که جانان آمد

یوسف از چاه به کنعان آمد

(عارف قزوینی، ۱۳۸۷: ۳۰۴)

تحلیل و بررسی جداول آماری

در مجموع، ۲۸۶ بیت از آثار ۴۳ تن از شاعران سه دوره (انقلاب مشروطه، بعد از انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی) در چهارده مضمون استخراج و از بررسی آنها موارد زیر استنتاج گردید:

۱- براساس جدول شماره (۱)، مضامین چاه و گرگ، بیش از بقیه مورد توجه شاعران بوده است.

۲- طبق نتایج جدول شماره (۱)، با آنکه علت‌العلل حوادث داستان برادران هستند، کمترین اثرپذیری، مربوط به موضوع نیرنگ و حسادت برادران و نحوه برخورد یوسف با آنان در فرجام داستان است.

۳- جدول شماره (۲/۱) می‌گوید: شاعران دوره مشروطه با توجه به حوادث و اتفاقات آن دوره، توجه بیشتری به مضامین گرگ، چاه و بردگی نشان داده‌اند.

۴- با مطالعه جدول شماره (۲/۲) که مربوط به شاعران دوره بعد از انقلاب مشروطه- فترت است، معلوم می‌شود که علاوه بر دو مضمون چاه و گرگ، شاعران این دوره، زندان و بوی پیراهن یوسف را نیز مورد توجه قرار داده‌اند که می‌توان علت آن را مسائل سیاسی و تاریخی حاکم بر جامعه دانست.

۵- با بررسی جدول شماره ۳ که مربوط به دوره قبل از انقلاب اسلامی است، می‌بینیم که مضمون به‌چاه‌افتادن یوسف، بیشترین بسامد را دارد. بی‌شک، فضای خفقان، زندان و شکنجه در کشور که موجب آزار و اذیت آزادی‌خواهان بود، بی‌تأثیر نبوده است و سروده شعرای آن دوره به چنان مضمونی نیاز داشته است.

۶- در جدول شماره (۲/۳) که مربوط به دوره انقلاب اسلامی است، بیش از همه، دو عنصر گرگ و وصال به‌چشم می‌خورد. گرگ نماد درندگی و خونخواری است که می‌توان آن را تحت‌تأثیر دو مقوله فراموش‌نشدنی از حافظه تاریخی آن دوره ملت ایران دانست: اول، سال‌های قیام و مبارزه پیش از پیروزی انقلاب که همراه با ازجان‌گذشتگی بسیاری از جوانان این مرز و بوم بود و دوم، سال‌های حماسه دفاع مقدس که بار دیگر، ملت ایران شاهد بزرگ‌ترین افتخارات طول تاریخ خود بود. اما مضمون وصال نیز که بیش از مضامین دیگر مورد توجه شاعران این دوره قرار گرفته است، یادآور بزرگ‌ترین خاطره تاریخ معاصر ایران، یعنی بازگشت پیروزمندانه و مبارک حضرت امام خمینی (ره)، پس از پانزده سال، به وطن است.

۷- براساس جدول‌های شماره (۳/۱)، (۳/۲) و (۳/۳)، به‌ترتیب، استاد شهریار، ادیب‌الممالک فراهانی و ملک‌الشعراى بهار، از شاعران دوره اول و دوم، بیشترین ابیات را تحت تأثیر داستان قرآنی حضرت یوسف (ع) سروده‌اند.

جدول بسامدی مضامین قرآنی داستان یوسف (ع) در شعر معاصر

ردیف	موضوع	بسامد مضامین و عناصر داستان	بسامد عناصر در انقلاب	بسامد پیش از انقلاب	بسامد در دوره انقلاب
۱	محبت پدر	۲۱	۶	۶	۱
۲	حُسن	۲۱	۷	۹	۱۰
۳	حسادت	۸	۲	۱	۱
۴	چاه	۴۶	۱۹	۲۵	۷
۵	گرگ	۵۶	۱۵	۱۴	۲۰
۶	بردگی	۲۳	۲۳	۴	۲
۷	هوس زلیخا	۲۰	۴	۵	۶
۸	زنان دربار	۷	۴	۰	۳
۹	زندان	۲۲	۳	۱۳	۵
۱۰	تعبیر خواب	۷	۷	۲	۰
۱۱	حکومت	۹	۶	۴	۲
۱۲	برادران	۲	۲	۱	۰
۱۳	بوی پیراهن	۱۹	۱۹	۱۳	۷
۱۴	وصال	۲۵	۱	۳	۱۹

جدول شماره (۱)، مضامین و عناصر داستان در سه دوره

ردیف	موضوع	بسامد
۱	محبت پدر	۲۱
۲	حُسن	۲۱
۳	حسادت	۸
۴	چاه	۴۶
۵	گرگ	۵۶
۶	بردگی	۲۳
۷	هوس زلیخا	۲۰
۸	زنان دربار	۷
۹	زندان	۲۲
۱۰	تعبیر خواب	۷
۱۱	حکومت	۹
۱۲	برادران	۲
۱۳	بوی پیراهن	۱۹
۱۴	وصال	۲۵

جدول شماره (۲ / ۱)
دوره‌های سه‌گانه معاصر
الف) انقلاب مشروطه

ردیف	موضوع	بسامد
۱	محبت پدر	۶
۲	حُسن	۷
۳	حسادت	۲
۴	چاه	۱۹
۵	گرگ	۱۵
۶	بردگی	۲۳
۷	زلیخا	۴
۸	زنان دربار	۴
۹	زندان	۳
۱۰	تعبیر خواب	۷
۱۱	حکومت	۶
۱۲	برادران	۲
۱۳	بوی پیراهن	۱۹
۱۴	وصال	۱

جمع ابیات شعرای این دوره: ۸۹ بیت

جدول شماره (۲/۲)
دوره‌های سه‌گانه معاصر
ب) پیش از انقلاب اسلامی

ردیف	موضوع	بسامد
۱	محبت پدر	۶
۲	حُسن	۹
۳	حسادت	۱
۴	چاه	۲۵
۵	گرگ	۱۴
۶	بردگی	۴
۷	زلیخا	۵
۸	زنان دربار	۰
۹	زندان	۱۳
۱۰	تعبیر خواب	۲
۱۱	حکومت	۴
۱۲	برادران	۱
۱۳	بوی پیراهن	۱۳
۱۴	وصال	۳

جمع ابیات شعرای این دوره: ۱۰۰ بیت

جدول شماره (۲/۳)
دوره‌های سه‌گانه معاصر
(ج) انقلاب اسلامی

ردیف	موضوع	بسامد
۱	محبت پدر	۱
۲	حُسن	۱۰
۳	حسادت	۱
۴	چاه	۷
۵	گرگ	۲۰
۶	بردگی	۲
۷	زلیخا	۶
۸	زنان دربار	۳
۹	زندان	۵
۱۰	تعبیر خواب	۰
۱۱	حکومت	۲
۱۲	برادران	۰
۱۳	بوی پیراهن	۷
۱۴	وصال	۱۹

جمع ابیات شعرای این دوره: ۸۳ بیت

شاعران معاصر
جدول شماره (۳/۱)
شعرای دوره مشروطه

نام شاعر	بسامد تأثیر پذیری	نام شاعر	بسامد تأثیر پذیری
ادیب	۲۴	دهخدا	۲
اشتری	۲	عارف	۱۰
اقبال	۱۱	فرخی	۱
ایرج	۵	نسیم	۵
بهار	۲۱	نیر	۱۳
پروین	۵		

جمع بیت: ۹۹

جدول شماره (۳/۲)
شعرای دوره پیش از انقلاب اسلامی

نام شاعر	بسامد تأثیر پذیری	نام شاعر	بسامد تأثیر پذیری
ابتهاج	۳	شفیعی	۳
رهی معیری	۳	شهریار	۵۸
سهیلی	۱	عماد	۹
سیاوش کسرایی	۱	مشیری	۱

جمع بیت: ۷۹

جدول شماره (۳/۳)
شعرای دوره انقلاب اسلامی

نام شاعر	بسامد تأثیرپذیری	نام شاعر	بسامد تأثیرپذیری
امام خمینی	۷	فرخ	۱
اخلاقی	۳	فیاض	۱
امین پور	۱۵	قزوه	۱۷
جوشایی	۵	کاکایی	۶
حسینجانی	۱	مرآت	۲
دهانی	۱	مردانی	۳
رحمدل	۲	مشفق	۲
شاهرخی	۱	میرشکاک	۱۸
طایر	۱	نیکنام	۲
عزیزی	۱۹		

جمع بیت: ۱۰۸

نتیجه

داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم، بیش از همه، از دو جنبه در شعر شاعران معاصر نمود پیدا کرده است: اول، از بُعد عاشقانه که می‌توان آن را به دو بخش تقسیم کرد: الف) عشق عاطفی و معنوی یعقوب و یوسف (ع) که عشقی پاک و ناب است. ب) عشق غریزی و مجازی زلیخا به یوسف که عشقی هوس‌آلود و جنسی است؛ دوم، از بُعد فراق و هجران و مرارت‌های چاه و زندان برای یوسف (ع) که همراه با عبرت‌آموزی‌های فراوان است.

در مجموع، بیشترین نوع تأثیرپذیری اشعار معاصر را در این موضوع، باید تلمیح دانست. از بین مضامین، چاه، زندان و عشق زلیخا بسامد بالاتری دارد. از منظر نوع نگرش شاعران به موضوع زندگی حضرت یوسف (ع)، باید گفت: به دلیل درون‌گرایی اکثر شاعران و نگاه زاهدانه به خدا، قرآن، دین و دنیا، بخش‌های حکمت‌آمیزی از داستان - مانند تدبیر و حکومت‌داری، راه‌های تعلیم و تربیت نفوس، ترویج فرهنگ خداشناسی و عصمت و خویش‌داری یوسف در مقابل خواسته هوسناک و گناه‌آلود زلیخا - مورد غفلت قرار گرفته است.

با ترویج فرهنگ قرآنی که پس از انقلاب اسلامی تمام سطوح جامعه را تحت پوشش خود قرار داده‌است، امید است شاعران عزیز با رجعت به محتوای عمیق و ژرفای کلام وحی، به غنای شعر معاصر بیفزایند. برای اینکه مفاهیم والای قرآن کریم، کتاب زندگی، در بین جامعه اسلامی بیش از پیش رایج و عمومی شود، شاعران باید ضمن آشنایی با این کلام ناب و درک پیام‌های حیات‌بخش آن، با الهام از استعداد خلاق و خداداد، به تصویرآفرینی و خیال‌آفرینی‌های بدیع اقدام کنند تا بار دیگر آثار ارزشمند و ماندگاری در ادبیات معاصر - همچون دوره کلاسیک - بر تارک ادبیات فارسی بدرخشد.

پی‌نوشت

۱. برای مطالعه بیشتر درباره ادوار شعر فارسی، می‌توان به کتاب دکتر شفیع کدکنی با عنوان «ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت» مراجعه کرد. همچنین، کتاب *از صبا تا نیما* (جلد دوم) مرجع مناسبی برای مطالعه اوضاع و مسائل فرهنگی و اجتماعی دوره مشروطه است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم. (۱۳۷۴). ترجمه عبدالمحمد آیتی. چاپ چهارم. تهران: سروش.
 آراین‌پور، یحیی. (۱۳۷۲). *از صبا تا نیما*. چاپ پنجم. تهران: زوار.
 آیت‌اللهی، سید حبیب‌الله. (۱۳۸۶). «تحلیل عناصر داستانی قصه حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم». *پژوهش زبان و ادب فارسی*. ش ۸.

- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۸۵). *ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم*. چاپ ششم. تهران: مروارید.
- اعتصامی، پروین. (۱۳۸۶). *دیوان اشعار*. به کوشش امیرعلی آذر طلعت. تهران: احرار.
- اقبال لاهوری، محمد. (۱۳۸۸). *دیوان*. به کوشش فرید مردانی. تهران: نشر ثالث.
- امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۵). *دیوان*. با تعلیقات علی‌اکبر رشاد. چاپ چهارم. نشر عروج.
- امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۵ الف). *آیین‌های ناگهان*. چاپ هشتم. تهران: افق.
- _____ . (۱۳۸۵ ب). *گزینۀ اشعار*. چاپ نهم. تهران: مروارید.
- _____ . (۱۳۸۹). *مجموعه کامل اشعار*. چاپ سوم. تهران: مروارید.
- ایازی، سید محمدعلی. (۱۳۸۵). «اصول و مبانی زیبایی‌شناسی قرآن». *پژوهشنامه قرآن و حدیث*. ش ۱.
- ایرج میرزا. (۱۳۵۳). *دیوان*. به کوشش محمدجعفر محجوب. چاپ سوم. نشر اندیشه.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۲). *دیوان*. تهران: آزاد مهر.
- جوشایی، محمدعلی. (۱۳۸۸). *مرثیه‌ها ممنوع*. تهران: توسعه کتاب ایران.
- حاکمی، اسماعیل. (۱۳۸۲). *ادبیات معاصر ایران*. چاپ ششم. تهران: اساطیر.
- حلبی، علی‌اصغر. (۱۳۶۹). *تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- راستگو، سید محمد. (۱۳۸۳). *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*. چاپ سوم. تهران: سمت.
- رسول صبح. (۱۳۷۸). چاپ سوم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره).
- رهی معیری، محمدحسن. (۱۳۸۷). *دیوان*. چاپ ششم. تهران: زوار.
- شاهرخی، محمود. (۱۳۵۷). *واپسین یادگار بر صحیفه روزگار*. تهران: سروش.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۳). *ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت*. تهران: سخن.
- _____ . (۱۳۵۰). *در کوچه‌باغ‌های نیشابور*. چاپ هفتم. تهران: توس.

- شهریار، محمدحسین. (۱۳۸۵). *دیوان*. ج ۱ و ۲. چاپ بیست و هفتم. زرین و نگاه.
- عارف قزوینی، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). *دیوان*. چاپ دوم. تهران: نگاه.
- عباسی، محمد. (۱۳۷۸). *سفرنامه باران*. چاپ چهارم. تهران: روزگار.
- عبدالباقی، محمد فؤاد. (۱۳۶۴ق). *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*. قاهره: دار الکتب المصریه.
- عزیزی، احمد. (۱۳۶۸). *شرجی آواز*. تهران: برگ.
- _____ . (۱۳۷۵). *غزالستان*. تهران: نشر آسمان.
- _____ . (۱۳۸۶). *قوس غزل (مجموعه شعر)*. تهران: نیستان.
- عماد خراسانی، عمادالدین. (۱۳۸۰). *دیوان*. به کوشش مهدی اخوت. چاپ دوم. تهران: نگاه.
- _____ . (۱۳۸۵). *دیوان*. چاپ چهارم. تهران: نگاه.
- فراهانی، ادیب‌الممالک. (۱۳۷۸). *دیوان*. به کوشش مجتبی برزآبادی فراهانی. تهران: فردوس.
- قزوه، علیرضا. (۱۳۷۳). *شبلی و آتش*. تهران: محراب اندیشه.
- _____ . (۱۳۷۸). *گزیده ادبیات معاصر*. تهران: نیستان.
- کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۵). *فرصت نایاب ایران*. تهران: انجمن شاعران ایران.
- محمدقاسمی، حمید. (۱۳۸۴). *اسرائیلیات و تأثیر آن در داستان‌های انبیا در تفاسیر قرآن*. چاپ سوم. تهران: سروش.
- مردانی، نصرالله. (۱۳۷۴). *خون‌نامه خاک*. تهران: کیهان.
- _____ . (۱۳۸۱). *چهارده نور ازلی*. تهران: شاهد.
- مشیری، فریدون. (۱۳۸۰). *چشم‌انداز شعر امروز (گزیده اشعار)*. چاپ هفتم. تهران: نگاه.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۸۵). *تفسیر نمونه*. چاپ سی و هفتم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ملبویی، محمدتقی. (۱۳۷۶). *تحلیلی نواز قصص قرآن*. تهران: امیرکبیر.
- میرشکاک، یوسفعلی. (۱۳۸۸). *گفتگویی با زن مصلوب*. تهران: توسعه کتاب ایران.

نسیم شمال، سید شرفالدین. (۱۳۸۶). *دیوان*. تصحیح فریدون سامانی پور. تهران: سعدی.

نصرآبادی، نیکبخت و اشرفالسادات صانعی. (۱۳۷۵). «جایگاه رفیع قرآن در پژوهش‌های طب اسلامی». *بینات*. سال ۳. ش ۱۱.

وردانک، پیتر. (۱۳۸۹). *مبانی سبک‌شناسی*. ترجمه محمد غفاری. تهران: نشر نی.